

سر	سبز	آب	گزیدن
فرشته	دراز	کشتی	چیدن
آدم	مهربان	میز	خواهش کردن
حکومت	لجواز	نهال	رقصیدن
دریا	مریض	غرور	پختن
ج.هر	بدجنس	سوزن	شناکردن
مسافرت	آبی	نان	تنبیه کردن
چراغ	ثروتمند	درخت	اواز خواندن
ترحم	زرد	کوهستان	مردن
تنها	تازه	عادت	سوار شدن
حصار	حیوان	دفتر	تحقیر کردن
دندان	نادرست	مردم	احساس کردن
کتاب گرسنگی	اشتباه	قورباغه	جدا شدن
گعتقد	سفید	بچه	دقیق بودن
خانه	غمگین	هلو	ازدواج کردن
بز	عزیز	شیشه	مزاحم شدن
قسمت	بزرگ	هویج	نقاشی کردن
جادو	پیر	گل	زدن
جعبه	وحشی	خانواده	شستن
گاو	خارجی	سعادت	دروغ گفتن
شریف	تنگ	برادر	ضرر زدن
کلاغ	نادرست	اضطراب	بوسیدن
آتش	کثیف	در	انتخاب کردن
علف	آرام	ماه	مسخره کردن
پنبه	سگ	سید	خوابیدن

زغال	ملایم	آواز	حدس زدن
درد	تنبل	حورشید	خندیدن
قهوه	هوا	گشاد	بردن
قصد	بشقاب	خسته	دزدیدن
میوه	چشم	قوی	خلق کردن
تور	پست	خم شدن	سوت زدن
هدف	گرم	دست	بیدار کردن
سیب	بد	دهان	دیدن
تخت	لایق	خطر	ملاقات کردن
کارگر	بلند	پا	به هم زدن
راه	گرد	خون	آشکار کردن
پیش بینی	خوشحا	بازار	فراموش کردن
طبل	ازاد	اتومبیل	خوردن
بی ادبی	زود	بخاری	لذت بردن
پستور	ساده	گردن	خواستن
سنگ	اشراف	چرخ	دوست داشتن
سفال	ملایم	حریص	جست و جو کردن
سقف	خوب	برگ	شکایت کردن
سخت	اعتماد	ایستگاه ترن	خزیدن
انباری	مفید	جنگل	فهمیدن
تکلیف	کاناپه	کر	دادن
شرافتمند	پایان	مار	پرداخت کردن
عشق	رستوران	مودب	حمل کردن
سرباز	آینه	پر	نوشتن
دلیل	استخوان	خوب	تنبیه کردن